

# ساختار اقتصادی کشور باید نوسازی شود

اشاره:

بسیار تپیه و تصویب لایحه نوسازی صنایع در هیأت دولت که قرار است در آینده نزدیک به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود، بار دیگر موضوع لزوم تجدید ساختار اقتصاد کشور، به ویژه بخش صنعتی آن در محافل کارشناسی و افکار عمومی مطرح شده است. در وضعیت کنونی که سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی حتی کمتر از میانگین کشورهای در حال توسعه جهان است، از یک سو نگرانی از تعدیل نیروی انسانی و پرداخت نشدن حقوق آنها در برخی واحدها وجود دارد، از سوی دیگر بحث توسعه صنعتی به لحاظ کمبود سرمایه‌گذاری‌های جدید و صادرات گرا بر اشتغال و کارآفرینی و درآمدهای ارزی آینده به شدت فشار می‌آورد. به عقیده برخی کارشناسان، نوسازی صنایع الزامی است، اما این مقوله از نوسازی اقتصاد کشور جدا نیست و ضرورت دارد که در یک مجموعه کلی مورد توجه قرار گیرد. به هر حال کارشناسان اقتصادی و دست‌اندرکاران بخش صنعت در خصوص ضرورت نوسازی صنایع و چگونگی انجام آن، دیدگاه‌های گوناگونی دارند که بررسی آنها می‌تواند در راهگشایی نوسازی اقتصاد کشور مؤثر باشد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای دکتر محمدعلی حقی، دبیر انجمن صنایع ایران، پرسش‌های مطرح در افکار عمومی در خصوص نوسازی صنایع، رقابت‌پذیری، جذب سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و... را با وی در میان گذاشت، ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

■ در لایحه نوسازی صنایع، جایگاه تجارت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ تا آنجا که من اطلاع دارم، در لایحه نوسازی صنایع، بحث زیادی درباره تجارت نشده است. در این لایحه تقریباً مسایل و مشکلات صنایع به نحو مطلوبی ارایه شده و برای هر مشکل از جمله مشکلات ناشی از قانون کار، مالیات‌ها، مشکلات ناشی از تأمین اجتماعی و کاهش تشریفات اداری زاید (بوروکراسی) حاکم بر

اقتصاد کشور، پیشنهادهای مطلوبی شده است.

به طور کلی، فضای جامعه یک فضای مطلوب برای سرمایه‌گذاری نیست و هر چند قوانین و مقررات خوبی هم تنظیم شود، اما این قوانین و مقررات به نحو مطلوب اجرا نمی‌شود.

تشریفات اداری (بوروکراسی دولتی) نیز به قدری سنگین است که تحمیلی بر اقتصاد، به ویژه اقتصاد بخش خصوصی است. فضای سیاسی اجتماعی

اقتصادی ایران، فضای کارآفرین و مطلوب برای سرمایه‌گذاری نیست و امنیت اقتصادی به معنای اخص کلمه آن طور که باید و شاید در کشور حاکم نیست.

این موارد باعث شده که اکثر سرمایه‌گذاری‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کمتر به سوی صنعت سوق پیدا کند. زیرا صنعت جزو رشته فعالیت‌هایی است که بازده آنی و فوری ندارد.

می‌توان پیش‌بینی کرد که با تصویب لایحه نوسازی صنایع، بخش صنعت با نوعی رونق مواجه شود که افزایش واردات، صادرات، سرمایه‌گذاری و اشتغال را سبب خواهد شد و در نتیجه تقاضا بالا خواهد رفت و به طور طبیعی اوضاع به نفع تجارت خواهد بود. اما این لایحه چه زمانی به تصویب می‌رسد و تا چه میزان در تجارت اثرگذار خواهد بود. بحثی است که به اثرگذاری ملموس آن در بخش تجارت نمی‌توان مطمئن بود. زیرا همان طور که گفته شد، فضای حاکم بر جامعه مطلوب سرمایه‌گذاری نیست.

### ■ به نظر شما، مشکلات نوسازی

#### صنعت کشور چیست؟

۱. مشکلات صنعت کشور به دو بخش تقسیم می‌شود:

#### ۱- مشکلات درون‌بنگهای

است که ناشی از عوامل مختلف از جمله کهنگی ماشین‌آلات، بی‌سوادی نسبی نیروی انسانی، ضعف مدیریت، بی‌ارتباطی صنعت با جهان امروز و فقدان رشد صنعت در فضای رقابتی است.

#### ۲- مشکلات بیرونی مانند

مجموعه مقررات حاکم بر اداره بنگاه‌ها مانند قوانین کار، تأمین اجتماعی، مالیات‌ها و...

به طور کلی، کارفرما در کشور ما همیشه با مشکل مواجه است و باید دائماً به دنبال رفع مشکلات بیرونی باشد. ضمن آنکه مشکلات بیرونی و درونی با یکدیگر مرتبط هستند.

بانکداری سنتی و نابهنگام ایران پاسخگوی نیازهای صنعتی کشور نیست. در حالی که امروز بانکداری در جهان متحول شده است.

مجموعه مشکلات باعث می‌شود صنعت کشور از وضعیت کنونی خارج نشود، زیرا سرمایه‌گذاری لازم در این بخش انجام نمی‌شود و جایگاهی برای نوسازی آن به وجود نمی‌آید.

### ■ کدام صنایع باید در جهت

#### صادرات‌گرایی نوسازی شوند؟

۱۰ صنایعی که مزیت نسبی دارند، باید مدنظر قرار گیرند. البته منظور من از مزیت نسبی، تعریف سنتی آن که نیروی انسانی ارزان و منابع طبیعی در آن ملحوظ است، نیست.

#### مزیت نسبی در اقتصاد امروز قابل

آفرینش است، بدون آنکه منابع طبیعی وجود داشته باشد. در صنعت، امروز باید به فناوری نوین و فناوری اطلاعات روی آورد که نمونه آن در هندوستان قابل ملاحظه است. این کشور از فناوری جدید در صنایع به طور چشمگیری استفاده کرده و سالانه چندین میلیارد صادرات محصولات فناوری اطلاعات و نرم‌افزاری دارد.

#### اگر فضای اقتصادی، سیاسی و

اجتماعی کشور آمادگی پذیرش سرمایه‌داران ایرانی مقیم خارج را پیدا کند، می‌توان انتظار داشت صنعت رونق بیشتری بگیرد.

#### در ایران برای ورود به صنایع

برخوردار از فناوری نوین، نیروی انسانی به اندازه کافی وجود دارد. یکی از مزایای اقتصاد ایران، نیروی انسانی است. ۵۰ درصد جمعیت کشور زیر ۲۰ سال و ۷۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال سن دارد. از این عامل می‌توان به عنوان یک مزیت نسبی استفاده کرد و در بسیاری از کارها به جای توجه به ماشین‌آلات، نیروی انسانی را به کار گرفت.

با به‌کارگیری نیروی انسانی، می‌توان به کاهش تقاضای ارز کمک کرد. البته

به‌کارگیری نیروی انسانی نیاز به انضباط دارد و قوانین و مقرراتی باید بر آن مسترتب باشد که در آن کارفرما از اختیارات کامل برخوردار باشد.

کارفرما باید بتواند نیروی انسانی را در مقابل نوسانات که در اقتصاد مینی بر بازار آزاد پیش می‌آید، تعدیل کند. منظور از تعدیل، اخراج نیست. البته شاید این تعدیل، اخراج را در پی داشته باشد. اما سازمان تأمین اجتماعی باید به گونه‌ای عمل کند که اگر نیروی انسانی از یک کارخانه اخراج شد، بتواند از مزایای تأمین اجتماعی استفاده کند.

با توجه به مجموعه عوامل گفته شده، صنایع کشور می‌تواند صادرات داشته باشد و صنایعی که نگاه به بیرون دارد، نوسازی شود.

### ■ برای آنکه سرمایه‌گذاری در

ایران صورت گیرد و این سرمایه به سوی صنعت سوق داده شود، چه سیاست‌هایی باید دنبال شود؟

۱۱. واقعیت این است که دولت باید کوچک شود، زیرا علم اقتصاد معتقد است دولت یک نهاد مصرفی است. در ایران مهمترین مشکل هم‌اکنون کمبود سرمایه است و اگر هدف روی آوردن به سمت سرمایه‌گذاری و آزاد کردن منابع بدین منظور باشد، باید تا آنجا که می‌توانیم از حجم دولت بکاهیم و مردم را در تولید دخالت دهیم. به‌طور اصولی پس‌اندازها و درآمد نفت باید برای سرمایه‌گذاری به‌کار گرفته شود نه به مصرف دولت برسد.

در اقتصاد ایران که سهم صنعت حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی است، به طور طبیعی سرمایه‌ها به سوی صنعت روی خواهند آورد. سابقه توسعه به توسعه صنعتی برمی‌گردد. سابقه تاریخی کشورهای پیشرفته گویای این واقعیت است که جز از طریق توسعه

صنعتی. نمی‌توان به توسعه اقتصادی رسید، زیرا توسعه بخش‌های کشاورزی و خدمات نیز به توسعه صنعتی وابسته است.

■ به عنوان مدیر بخش صنعتی، وضعیت حال صنایع کشور را در مقایسه با دیگر کشورها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ا در کشورهای در حال توسعه، به طور متوسط ۲۴ تا ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) از صنعت تأمین می‌شود. این سهم در ایران حدود ۱۵ درصد است.

این ارقام نشان می‌دهد سهم صنعت در تولید ناخالص از متوسط کشورهای در حال توسعه پایین‌تر است. در کشورهای خاور دور مانند چین، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی حدود ۴۰ درصد و در سایر کشورهای این منطقه ۳۵ تا ۴۰ درصد است.

گفتنی است با الگوهای رایج در دنیا، صنعت در اقتصاد ایران جایگاهی ندارد. البته این موضوع مربوط به امروز و دیروز نیست، بلکه ریشه تاریخی ۲۰۰ ساله دارد. به خاطر نبود امنیت سرمایه در دو تا سه قرن اخیر در ایران و فقدان احترام به مالکیت، صنعت کشور رشد نداشته است. صنعت، سرمایه‌بر و به زمین و مکان وابسته است و انتقال آن به راحتی امکان‌پذیر نیست. از آنجا که سرمایه و مالکیت از دیرباز در ایران محترم شمرده نشده و امنیت خاطر برای سرمایه‌گذار وجود نداشته، در نتیجه صنعت رشد پیدا نکرده است.

راه توسعه اقتصادی و متعاقب آن توسعه صنعتی، احترام به مالکیت است. قوانین و مقررات حاکم بر ایران، جنبه حمایت‌نازند و در نظمی و تدوین آنها جنبه‌های اقتصادی نادیده گرفته شده

است. به نظر من باید قوانین و مقرراتی وضع شود که در جهت احترام به مالکیت باشد. اگر قوانین و مقررات به این صورت وضع شود، اقتصاد کشور از آن منتفع خواهد شد.

دولت باید انگیزه‌های لازم را برای ثروتمند شدن افراد فراهم آورد و با دریافت مالیات از آن بهره‌برداری لازم را بکند. من معتمد انگیزه‌های مثبتی که ایجاد اشتغال می‌کند، سرکوب شده است. این انگیزه‌ها باید در جهت تولید و ایجاد ثروت، البته در جهت تحصیل ثروت مشروع و قانونی، تشویق شود. این گونه حرکت‌ها سرمایه‌گذاری در اقتصاد و به‌ویژه در صنعت را بالا می‌برد و سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

■ منابع مالی موردنیاز توسعه و نوسازی صنایع از چه راه‌هایی قابل تأمین است؟

۱: صنایع تأمین مالی توسعه و نوسازی صنایع از نظام بانکی، واگذاری یک سری صنایع از سوی دولت به بخش خصوصی، امکانات مالی سرمایه‌گذار و عرضه سهام در بورس است.

■ دسترسی به فناوری روز برای نوسازی صنایع از چه راه‌هایی قابل انجام است؟

۱: دسترسی به فناوری برای نوسازی صنایع تنها از طریق رقابت ساله امکان‌پذیر است. در این رهگذر باید انحصارهای دولتی از بین برود و فضای رقابتی ایجاد شود. در یک فضای رقابتی، تولیدکننده به دنبال بهترین روش تولید که منجر به کاهش هزینه شود، می‌رود. فناوری فقط ورود ماشین‌آلات و ابزار و وسایل جدید نیست، بلکه اگر یک بنگاه اقتصادی به دنبال بهره‌وری باشد، در یک شرایط رقابتی، به کارگیری نیروی انسانی کارآمد به بازدهی بیشتر ختم می‌شود.

به طور اصولی، به کارگیری فناوری را باید به اختیار کارفرما گذاشت و باید بر این باور بود که کسی که سرمایه خود را به کار می‌اندازد، به طور حتم در جهت توسعه و بالا بردن آن تلاش خواهد کرد و نمی‌خواهد آن را تباه کند.

دولت همواره باید فضایی ایجاد کند که سرمایه‌گذار بتواند از افکار و نوآوری‌های خود استفاده کند. سرمایه‌گذاری‌های مشترک برای ورود فناوری به کشور نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و باید به آن روی آورد. ایران امروز به مدیریت، فناوری، شیوه‌های نوین بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی و قوانین و مقررات حاکم بر مبادلات بین‌المللی نیاز مبرمی دارد. بهترین راه وجود رقابت سالم، امکان دادن به سرمایه‌گذار برای حضور در بازارهای بین‌المللی به صورت سرمایه‌گذاری مشترک است.

باید سرمایه‌گذاری خارجی را پذیرفت. زیرا این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند مدیریت، دانش، بازار و فناوری نوین را با خود وارد کشور کند.

تنها قانون و مقررات برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی کافی نیست، بلکه باید فضای کشور آمادگی پذیرفتن سرمایه‌گذار خارجی را داشته باشد تا سرمایه‌گذار خارجی احساس امنیت کند.

■ با توجه به بالا بودن سود بانک‌ها، آیا صنایع کشور برای نوسازی باز هم باید به نظام بانکی متکی باشد؟ آیا بخش خصوصی تقاضای دریافت وام از بانک‌ها دارد؟

۱: با وجود بالا بودن نرخ سود بانک‌ها، بخش خصوصی متقاضی دریافت وام از بانک‌ها است. ذکر این نکته ضروری است که در چند سال گذشته به دلیل وجود تبصره‌های تکنیکی، بخش خصوصی فقط از باقی‌مانده اعتبارات

استفاده کرده است. به دیگر سخن، وقتی که نیاز و مصرف دولت از اعتبارات برطرف شده است، آن وقت اگر چیزی وجود داشت، در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گرفت.

بسی تردید صنعت نیاز به تأمین اعتبار دارد که می‌بایست از طریق نظام بانکی، فروش سهام، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه تأمین شود. گفتنی است مهندسی مالی در اقتصاد جدید، بحث بسیار نو و تازه‌ای است که راه‌های تأمین سرمایه در صنعت را بررسی می‌کند.

در چند سال اخیر از این گونه شیوه‌های نوین تأمین مالی در کشور استفاده نشده است. در ضمن یکی از این شیوه‌ها جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

■ به نظر شما قدرت رقابت پذیری و صادرات‌گرایی عامل عمده‌ای برای گزینش طرح‌های نوسازی نیست؟

□ به یقین چنین است. به طور اصولی می‌توان صنایعی را فقط به خاطر صادرات‌گرایی پایه‌گذاری کرد. البته در ایران هنوز تجربه پایه‌گذاری صنایع صادرات‌گرا وجود ندارد، در نتیجه در این زمینه باید با شرکت‌های خارجی مشارکت کرد، زیرا آنها بازار دارند.

به لحاظ وجود برخی مزایا در صورت وجود فضای مناسب، شرکت‌های خارجی آمادگی همکاری با ایران را دارند.

■ چه صنایعی برای نوسازی می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرند؟

□ صنایعی که نگاه به بیرون داشته و اشتغال‌زا باشند. باید در فهرست نوسازی قرار گیرند. باید به صنایعی که به صادرات کمک می‌کنند، قادر به جذب فناوری نوین باشند و بتوانند در بازارهای

داخلی و جهانی رقابت کنند، نیز توجه داشت.

تمام صنایع انرژی‌بر و صناعی که به نیروی انسانی نیاز دارد، جزء صنایع مزیت‌دار ایران محسوب می‌شوند و باید نوسازی شوند. صنایع غذایی ایران به دلیل تنوع آب و هوایی که در کشور وجود دارد، می‌تواند رشد خوبی داشته باشد. در بخش کشاورزی، به ویژه در زمینه تولید انواع میوه‌ها می‌توان سرمایه‌گذاری مطلوبی انجام داد.

■ در شرایط کنونی چه صنایعی محکوم به تعطیلی هستند؟

□ تعطیل کردن صنعت دردی را علاج نمی‌کند، بلکه باید صنایع به سرمایه‌گذار بخش خصوصی و کارآفرینان واگذار شود. اگر تشخیص دادند سرمایه‌گذاری آنان بهره‌دهی ندارد، خودشان تعطیل خواهند کرد.

اگر برخی صنایع در شرایط رقابتی نتوانند به کار ادامه دهند، خودبه‌خود محکوم به تعطیل شدن خواهند بود. در دنیای امروز، سرمایه‌گذاری بر اساس مطالعات امکان‌سنجی صورت می‌گیرد. این امر به آن معناست که یک سرمایه‌گذار با مطالعه کامل نسبت به ایجاد یک صنعت اقدام می‌کند.

در دو دهه گذشته به دلیل وجود رانت‌های مختلف نرخ ترجیحی ارز و تنوع قیمت‌ها، سرمایه‌گذاری بر اساس مطالعه و امکان‌سنجی نبوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها برای بهره‌گیری از برخی مزایا و استفاده از رانت‌ها انجام شده است، اما امروز که به ناچار روبه بازار آزاد آورده‌ایم، برخی صنایع با بحران مواجه شده‌اند.

صنایع نساجی امروز با بحران مواجه است، زیرا خود را با فناوری روز و ورود به بازارهای خارجی تطبیق نداد و به دلیل

وجود دیوار بلند تعرفه‌ای و سهمیه‌ای و نیز حمایت‌های مختلف، در شرایط رقابتی نمی‌تواند دوام آورد و با بحران مواجه شده است.

صنایع ماکارونی در ایران نیز از این امر مستثنی نیست. مجوز احداث کارخانه به اندازه‌ای است که تولیدات آنان نیاز خاورمیانه را مرتفع می‌سازد. علت تأسیس آن نیز استفاده از دلار ۷۰ ریال برای احداث کارخانه ماکارونی بوده است.

اقتصاد کنترل شده موجب انحراف سرمایه‌گذاری می‌شود و سرمایه‌ها در بخش‌های موردنیاز به کار گرفته نمی‌شود، بلکه در بخش‌هایی به کار می‌افتد که در آن رانت وجود دارد. این موضوع در چند سال گذشته در اقتصاد ایران بارها اتفاق افتاده است.

■ به جز مقوله صادرات‌گرایی، چه موارد دیگری باید در نوسازی صنایع مدنظر قرار گیرد؟

□ در این زمینه اصلاح قوانین و مقررات، کاستن از تشریفات دولتی و آزاد گذاشتن دست سرمایه‌گذار از اهمیت زیادی برخوردار است. تمام موانعی که موجب می‌شود یک سرمایه‌گذار انگیزه سرمایه‌گذاری را از دست بدهد، باید حذف شود.

در لایحه نوسازی صنایع، این امر پیش‌بینی شده است، اما پرسش اساسی این است که آیا با یک لایحه می‌توان مشکلات نامنی نسبی سرمایه‌گذاری را حل کرد.

همان‌طور که گفته شد، اگر امنیت سرمایه‌گذاری نباشد و به مالکیت و سرمایه‌گذار احترام گذاشته نشود، آیا انگیزه برای سرمایه‌گذاری در صنعت و نوسازی آن ایجاد خواهد شد. در تبلیغات رسانه‌ای ایران، سودآوری یک امر نامطلوب تلقی می‌شود. در حالی که سرمایه‌گذار با انگیزه سود به

سرمایه‌گذاری مبادرت می‌ورزد. البته سود باید مشروع و قانونی باشد.

اگر صنعت در اثر تشویق سرمایه‌گذار و موارد دیگری که به آن اشاره شد، رشد پیدا کند، به طور حتم صادرات ایجاد خواهد شد. رشد صنعت و سرمایه‌گذاری در این بخش، نوسازی آن را هم به دنبال خواهد داشت.

■ به عنوان یک مدیر مجرب در بخش صنعت، تا چه حد نوسازی صنایع را الزامی می‌دانید؟

□ به طور کلی اقتصاد ایران باید نوسازی شود. توجه به یک بخش مثل صنعت بدون توجه به فضای حاکم بر اقتصاد ملی به نظر نمی‌آید که نتیجه مطلوب را دربرداشته باشد.

توجه مقطعی به بخش‌های صنعت، کشاورزی، معدن و... مشکل را حل نمی‌کند، بلکه باید ساختار اقتصادی کشور نوسازی شود. ساختار اقتصادی چه از دید مالکیت و چه از دید روابط حاکم بر اقتصاد باید بازنگری کلی شود.

باید پذیرفت که در دنیای امروز، حضور فعال در بازار جهانی ضروری است، زیرا ایران کشوری است که در منطقه‌ای بسیار حساس و راهبردی قرار دارد. نمی‌توان واقعیت‌های امروز اقتصاد جهانی را نادیده گرفت. واقعیت این است که دنیای امروز به سمت دنیای رقابتی شدید پیش می‌رود و ایران نیز باید سهم خود را در بازار جهانی داشته باشد.

من مخالف نوسازی صنایع ایران نیستم و فکر می‌کنم تفکر نوسازی نشان می‌دهد لاقابل این درک وجود دارد که صنایع نیاز به نوسازی دارد. اما اثربخشی آن‌چنانی را که تصور می‌شود، باور ندارم.

باید ساختار اقتصادی به طور کلی عوض شود و قوانین و مقررات حاکم بر اداره اقتصاد کشور بازنگری شود. باید انحصارها از بین برود و دولت دست خود را از فعالیت‌های اقتصادی بیرون بکشد، زیرا دولت منابع را بر اساس نیازهای سیاسی توزیع می‌کند و نه نیازهای اقتصادی.

دولت اگر از فعالیت‌های اقتصادی دست بردارد، روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها شفاف‌تر می‌شود و بسیاری از مسؤولیت‌هایی را که ناخودآگاه دولت در صحنه اقتصاد بین‌الملل پذیرفته است، رها خواهد شد.

باید روابط اقتصادی خارجی به بخش خصوصی و تشکل‌ها سپرده شود و در مذاکرات بخش خصوصی دخالت کنند. به هر حال تنها راه، تجدید ساختار اقتصادی است که به نوسازی صنایع نیز منجر می‌شود. تجدید ساختار اقتصادی کار کوتاه‌مدت نیست. بازسازی و نوسازی صنایع فقط بخشی از نوسازی اقتصادی است. در ایران تنها صنعت به نوسازی احتیاج ندارد، بلکه کشاورزی و خدمات نیز نیاز به نوسازی دارند و باید برای آنها فضای رقابتی پدید آید. اقتصاد ایران نیاز به تجدید ساختار دارد و اولین اقدام آن کوتاه شدن دست دولت از فعالیت‌های اقتصادی و باز شدن فضا برای حضور مردم و بخش خصوصی است.

■ به نظر شما صنایع واگذار شده به بخش خصوصی ابتدا باید از سوی دولت نوسازی شود و سپس واگذار شود و یا بدون نوسازی به بخش خصوصی واگذار شود؟

□ به نظر من، دولت نباید هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری در صنایع انجام دهد و باید به همان صورتی که وجود دارد،

در یک فضای امن و با بلندنظری، این گونه صنایع را به بخش خصوصی واگذار کند. منظور از بخش خصوصی، واگذاری صنعت به یک سرمایه‌دار نیست.

زمانی که دولت آلمان صنایع بخش شرقی کشور را خصوصی کرد، برخی کارخانه‌ها را به صورت مجانی و حتی با قیمت یک مارک به سرمایه‌گذار داد. البته شرایطی را برای سرمایه‌گذار تعیین کرد. برای مثال حفظ کارگران آن کارخانه به مدت یک سال.

دولت باید با خصوصی‌سازی بلندنظرانه برخورد کند و بدون سرمایه‌گذاری مجدد در جهت بازسازی واحدهای صنعتی را بسا شرایط مطلوبتری به بخش خصوصی واگذار کند. دولت در واگذاری صنایع نباید دنبال منافع خود باشد. اگر دولت در بازسازی صنایعی که قرار است واگذار شود، شرکت داشته باشد، در حقیقت بزرگتر شدن حجم دولت را به دنبال خواهد داشت.

در برخی موارد مشاهده شده یک واحد صنعتی واگذار شده به بخش خصوصی با تغییر خط تولید، به یک واحد سودده صادراتی تبدیل شده، زیرا صنعت دیگری جایگزین شده است.

دولت در واگذاری صنایع تحت پوشش خود نباید آن را به هر کسی واگذار کند، بلکه باید به دنبال کننده کار باشد. در واگذاری صنایع، نگهداری، احیا و نوسازی صنعت باید مورد توجه دولت باشد و نه ثروت سرمایه‌دار و خریدار آن صنعت.

